

Identifying the Lived Experiences of Parents About the Impact of Children on Family Life

M. Falahatpishe Baboli¹, F. Mootabi^{*2}, M. Mazaheri³, L. Panaghi⁴, & M. Heydari⁵

1. Ph. D. Candidate of clinical psychology, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. **Email address:**

fmootabi@gmail.com

3. Professor, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

4. Associate Professor, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

5. Associate Professor, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

Purpose: Considering the issue of having children is essential, due to its great impact on the family life of people in different periods of parenting. Therefore, the present study aimed to identify the changes in family life that are affected by having children. **Method:** 96 married men and women participants from Tehran, in different age groups (based on the principle of data saturation) and by purposeful sampling method, among people with newborns up to six years, parents with primary school children, parents with adolescents and parents with single and married adult children were selected and interviewed in-depth semi-structured to identify their experiences with childbearing. Also, the interviews were analyzed using the Van Manen method (interpretive phenomenological approach). **Results:** Topics include "Children entering life", "Come of age", "Starting school", "Adolescence: a bridge between childhood and adulthood", "Ending adolescence: entering the world of adulthood", and "Children leaving home" Were extracted. **Conclusion:** Finally, it can be concluded that the changes that occur in each period of family life, due to the influence of children, range from managing issues related to the children themselves to the effects of their presence on financial issues, marital relationships, social interactions and etc.

Keywords: Change, Family, Child, parenting

شناسایی تجارب زیسته والدین درباره اثرگذاری فرزندان بر زندگی خانوادگی

مریم فلاح پیشه بابلی^۱، فرشته موتابی^{۲*}، محمدعلی مظاهری^۳، لیلی پناغی^۴ و محمود حیدری^۵

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی بالینی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه خانواده درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران. ایمیل: Fmootabi@gmail.com

۳. استاد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه خانواده درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران

۵. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران

چکیده

هدف: توجه به موضوع بچه‌دارشدن، به علت اثرگذاری زیاد آن بر زندگی خانوادگی افراد در دوران مختلف فرزندپروری، امری ضروری به شمار می‌رود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی تغییرات ایجاد شده در زندگی خانوادگی که متأثر از بچه‌دارشدن است انجام شد. **روش:** ۹۶ شرکت کننده زن و مرد متأهل از شهر تهران، در گروه‌های مختلف سنی (بر اساس اصل اشباع داده‌ها) و با روش نمونه‌گیری هدفمند، از میان افراد دارای فرزند تازه متولد شده الی شش سال، والدین دارای فرزند دبستانی، والدین دارای فرزند نوجوان، و والدین دارای فرزندان بزرگسال مجرد و متأهل انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام شد تا تجارب آنها در مورد فرزند داشتن شناسایی شود. مصاحبه‌ها با روش ون منن (رویکرد پدیدارشناسی تفسیری) مورد تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** مضامینی تحت عنوان "ورود فرزند به زندگی"، "از آب و گل درآمدن"، "آغاز مدرسه"، "نوجوانی: پلی بین کودکی و بزرگسالی"، "اتمام نوجوانی: ورود به دنیای بزرگسالی"، و "خروج فرزندان از منزل" استخراج شدند. **نتیجه‌گیری:** در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که تغییراتی که در هر دوره از زندگی خانوادگی، به واسطه تأثیر فرزندان رخ می‌دهد، گستره عظیمی شامل مدیریت مسائل مربوط به خود فرزندان تا اثرات حضور آنها بر مسائل مالی، روابط زناشویی، تعاملات اجتماعی و غیره را در بر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تغییر، خانواده، فرزند، والدگری

مقدمه و بیان مساله

بیشتر زوج‌ها، پس از شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف، وارد مرحله فرزندآوری می‌شوند. در واقع، انتقال به نقش والدگری، توسط جمعیت کثیری از مردم در دنیا تجربه می‌شود (انگی وچن، ۲۰۲۰). در طول زندگی خانوادگی، رویدادهای اندکی وجود دارند که به اندازه اضافه شدن نقش‌های والدگری، سخت یا پیچیده باشند؛ زیرا بچه‌دارشدن، تغییراتی را می‌طلبد که منجر به سازگاری اعضای خانواده با عضو جدید شود. (جونز و همکاران، ۲۰۱۸).

به دنیا آمدن فرزند، در برخی موارد باعث افزایش تعارض (کلوتر و جانسون، ۲۰۰۷)، کاهش زمان دو نفره (کلسکتون و پری-جنکینز، ۲۰۰۸)، و کاهش رضایت از تقسیم کارهای خانه (پسی، ۲۰۰۴) می‌شود. تغییرات عمیق در سبک زندگی، نقش‌ها، و رابطه، عواملی هستند که سطح استرس را در زوجین تازه والد شده افزایش داده و بر سبک زندگی آنها (چه زنی که مادر می‌شود و چه مردی که پدر شدن را تجربه می‌کند)، اثر می‌گذارند (انگی و انگو، ۲۰۱۴؛ سویل و اوزکان، ۲۰۰۹). به علاوه، خستگی نیز در بین افرادی که به مرحله والدگری وارد می‌شوند، امری شایع است (بدر، زاونسیوسکی، ۲۰۱۷)، و این خستگی در اغلب موارد، منجر به عملکرد ضعیف والدین، رقابت پایین والدین، و استرس و پریشانی بیشتر والدین در زمان مواجهه با کودک (کوکلین، گیالو، و رز، ۲۰۱۲) خواهد شد.

بچه‌دارشدن، همچنین در برخی موارد منجر به مشکلات قابل توجهی در رابطه جنسی و عاطفی زوج می‌شود (کووان و کووان، ۲۰۱۲). در مطالعات مختلفی که به شکل طولی و مقطعی انجام شده‌اند، بر ارتباط معنادار تولد فرزند با افزایش تعارضات رابطه و کاهش رضایت از رابطه جنسی تأکید شده است (میتنیک، هیمن، و اسمیت اسلپ، ۲۰۲۱؛ کووان و کووان، ۲۰۰۰). همچنین برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که در مقایسه با زوجینی که فرزند ندارند، والدین با کاهش بسیار سریع در رضایت زناشویی مواجه می‌شوند (لارنس، روئمن، کاب، روئمن، و بردبری، ۲۰۰۸؛ توئنگ، کمپبل، و فاستر، ۲۰۰۳)، و به نظر می‌رسد که این کاهش در رضایت از رابطه، به شکل طولانی مدتی باقی خواهد ماند (داس، رودس، استنلی، و مارکمن، ۲۰۰۹). نگرانی‌های مربوط به مسائل جنسی، نظیر کاهش میل جنسی یا کیفیت آن، کاهش انرژی برای فعالیت جنسی، و بسامد پایین رابطه جنسی، مخصوصاً در یک سال اول پس از بچه‌دارشدن،

بسیار در بین زوجین رایج است (ونیر، آدیر، روسن، ۲۰۱۸؛ شلاگینتویت، بیلی، و روسن، ۲۰۱۶). در واقع، در طول انتقال به والدگری (اولین سال پس از تولد فرزند)، زوجین معمولاً میزان رابطه جنسی کمتری را نسبت به دوران پیش از حاملگی تجربه می‌کنند (روسن و همکاران، ۲۰۲۱)، و کاهش میل جنسی نیز بیشتر توسط مادران نوپا گزارش می‌شود (داوسون، لئونهارت، ایمپت، و روسن، ۲۰۲۱). همچنین، ورود به مرحله والدگری و بچه‌دار شدن، ریسک ابتلا به مشکلات روانشناختی نظیر اضطراب و افسردگی را در والدین نوپا افزایش می‌دهد (لسترات، دویرترکت، و لفلو، ۲۰۱۱). در واقع، بچه‌دار شدن بر رابطه والدین اثر گذاشته و از این رابطه اثر می‌پذیرد. طبق پژوهش عباسی و همکاران (۱۳۸۸)، فرزندان مطالباتی را شامل زمان و هزینه در والدین پدید آورده و منجر به افزایش استرس در والدین می‌شوند و این امر به نوبه خود، تأثیری منفی بر رضایت زناشویی خواهد داشت. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که والدین در مرحله‌ای که دارای فرزند زیر ۶ سال (پیش دبستانی) و نوجوان هستند، کمترین میزان توافق را بر سر مسائل مالی و اقتصادی دارند. اما با بزرگتر شدن فرزندان و خروج آنها از منزل، این تعارض کاهش می‌یابد.

همچنان که فرزندان بزرگ می‌شوند و وارد مرحله نوجوانی می‌شوند، مسائل جدیدی را بر خانواده تحمیل می‌کنند و تغییراتی را در ساختار و روابط در خانواده پدید می‌آورند. این مسائل، به خصوص برای والدینی که به شدت بر برتری جایگاهی یا اطلاعاتی تکیه کرده‌اند تا بر رفتار فرزند نوجوان خود تأثیر بگذارند شدیدتر احساس می‌شود و ورود فرزندان به مرحله نوجوانی می‌تواند برای آنها تبدیل به یک بحران عمده شود. برای برخی زوجین، این تغییرات قابل مدیریت کردن است اما در بقیه خانواده‌ها، این تغییرات، عظیم به شمار می‌روند (شرما، اورتیز، و شرما، ۲۰۲۰). می‌توان گفت که در این مرحله، مرزها توسط والدین منعطف‌تر می‌شوند تا به نوجوان، اجازه حرکت در داخل و خارج از سیستم را بدهند. چنانچه والدین، انعطاف‌پذیر باقی بمانند و استقلال و رشد نقش‌های جنسی و اجتماعی نوجوان را تشویق نمایند، جدا شدن نوجوان و خروج وی از منزل، مسیر هموارتری را در پیش خواهد گرفت. یک انتقال طبیعی به دوران بزرگسالی فرزندان زمانی اتفاق می‌افتد که خرده سیستم زناشویی، توجه خود را به سمت تکالیف این مرحله از زندگی معطوف نماید و بیشترین تمرکز خود را بر آماده‌سازی فرزند نوجوان برای ورود به دنیای بزرگسالی و جامعه معطوف سازد (آرمور، ۱۹۹۵). علیرغم

این باور قوی فرهنگی مبنی بر اثرگذاری کمتر والدین بر نوجوانان در مقایسه با همسالان، تحقیقات تجربی نشان داده است که والدین یکی از تعیین کننده‌های مهم سلامتی و رفاه نوجوانان در این دوره از زندگی هستند (موریس، کریس، سیلک، و هولتبرگ، ۲۰۱۷).

در نهایت، با ورود فرزندان نوجوان به مرحله بزرگسالی، همچنان با تغییراتی در خانواده مواجه می‌شویم که ناشی از تأثیر فرزندان است. فرزندان بزرگسال، با خروج خود از منزل و سپس ازدواج و بچه‌دار شدن، باعث ایجاد تغییراتی در سیستم خانوادگی و روابط زوجی والدین می‌شوند. به گفته سولومون (۱۹۷۳)، زمانی که فرزندان وارد دوران بزرگسالی می‌شوند، والدین می‌بایست لذت ثانویه رابطه والد و فرزند تمایز یافته را تجربه کنند. اکثر والدین، با این دوران آشیانه خالی (خروج فرزندان از منزل) به خوبی سازگار می‌شوند و از افزایش آزادی خود از مسئولیت‌های فرزندپروری استقبال می‌کنند (نیوگارتن، ۱۹۹۶). با این حال، بسیاری از والدین، همچنان حمایت‌های مالی و هیجانی خود را در دوره کالج و پس از آن نیز ادامه می‌دهند و حتی بسیاری از فرزندان بزرگسال، به دلایل اقتصادی، مجدداً به آشیانه باز می‌گردند (والش، ۲۰۱۶).

برخی از مطالعات نشان داده‌اند که دوران میانسالی و سالمندی، به علت خروج فرزندان از منزل، با افزایش کیفیت رابطه زناشویی و کاهش میزان تعارضات همراه است. این پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که میزان مشاجرات افراد در دوره آشیانه خالی، از زوجینی که فرزندان آنها همچنان در منزل هستند کمتر است (به عنوان مثال پژوهش‌های گورچوف، جان، و هلسون، ۲۰۰۸؛ پپ، ۲۰۱۸؛ مکی کی و اوپرین، ۱۹۹۹). علیرغم اینکه پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که حضور فرزندان در منزل، منجر به کاهش کیفیت رابطه زوجی والدین می‌شود (اومبرسون و همکاران، ۲۰۰۵؛ ژنگ، ۲۰۲۰)، از سویی دیگر، پژوهش‌هایی نیز به بالا رفتن احتمال طلاق پس از خروج فرزندان از منزل (هایدمن، و سوهوملی نوا، و اورند، ۱۹۹۸)، بروز احساسات منفی نسبت به یکدیگر در دوران آشیانه خالی (به عنوان مثال، بوچارد، ۲۰۱۴؛ شریف و ویترال، ۲۰۰۹) و افزایش استرس‌های مربوط به روابط بین فردی (نظیر مشاجره با همسر) (هاهن، کیچی، اسمال، و آلمیدا، ۲۰۱۴) اشاره کرده‌اند.

در نهایت، همانطور که گفته شد، انتقال به مرحله والدگری، نیازمند سازگاری‌های فردی، خانوادگی، و زوجی است. این انتقال، استرس والدین را افزایش می‌دهد و تفاوت‌های بین

همسران را آشکارتر می‌کند (کووان و کووان، ۲۰۱۲؛ دمیک، ۲۰۰۲). بنابراین می‌توان گفت که به نظر می‌رسد که ورود فرزندان به سیستم خانواده، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا منجر به بروز تغییراتی می‌شود که تا بزرگسالی فرزندان ادامه دارد و زندگی خانوادگی و رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع به نظر می‌رسد که نوع تغییرات تجربه شده در سیستم خانوادگی، با توجه به ورود فرزندان به مراحل مختلف زندگی (از تولد آنها گرفته تا ازدواج و بچه‌دار شدن ایشان)، به شکل متفاوتی تجربه می‌شود. از سویی، به نظر می‌رسد که بیشتر پژوهش‌هایی که در مورد تأثیر حضور فرزندان در خانواده انجام شده‌اند، مختص خانواده‌های مربوط به فرهنگ‌های فردگرا (یا در سال‌های اخیر، جمع‌گرا) هستند (انگی و چن، ۲۰۲۰). بنابراین، کمبود پیشینه پژوهشی در این زمینه، در مورد والدین ایرانی که دارای فرهنگی خانواده‌گرا هستند، به شدت حس می‌شود. از آنجا که به نظر می‌رسد که به علت اهمیت و اولویت خانواده در فرهنگ ایرانی، نوع ارتباط با فرزندان متفاوت باشد، این سوال مطرح می‌شود که نوع و میزان تأثیرگذاری فرزندان در هر مرحله‌ای از زندگی‌شان، بر زندگی زناشویی و خانوادگی والدین به چه صورت است. همچنین، به این علت که تغییرات تجربه شده متأثر از حضور فرزندان در مراحل مختلف زندگی، تا کنون به شکل کیفی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، هدف پژوهش حاضر، پاسخ به این سوال بود که بچه داشتن (از بدو تولد فرزند تا بزرگسالی وی)، چه تغییراتی را در طول تجربه کردن زندگی خانوادگی در والدین ایرانی ایجاد می‌کند؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش پدیدارشناسی تفسیری با رویکرد ون منن استفاده شد تا تجارب زیسته زمان حال حاضر مشارکت‌کنندگان که در هر دوره از فرزندپروری بودند، به شکل مقطعی شناسایی شود.

-جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان و مردان متأهل دارای فرزند در شهر تهران، در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ بود. گروه نمونه پژوهش بخشی از شرکت‌کنندگان پژوهش اصلی تحت عنوان "شناسایی تکالیف تحولی و مراحل چرخه زندگی خانواده" بودند و با

روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در واقع گروه نمونه شامل زنان و مردان ساکن شهر تهران بودند که ملاک‌های ورود را داشته و ملاک‌های خروج را شامل نمی‌شدند. ملاک‌های ورود شامل این موارد بود: ۱) در ازدواج اول خود بوده و همسر آنها در حال حاضر در قید حیات باشد، ۲) در زمان پژوهش، دارای یک همسر باشند، و ۳) دارای سواد خواندن و نوشتن باشند. ملاک‌های خروج از پژوهش، شامل ابراز نارضایتی از سوی مشارکت‌کنندگان در ادامه دادن مصاحبه و پاسخ دادن به سوالات، و مشاهده اخلاق در پاسخدهی که مبتنی بر مشکلات شناختی باشد و مشارکت‌کنندگان آن را گزارش نکرده باشند، بود. از بین این گروه، افرادی که در مرحله سوم (زوجین دارای فرزند پیش دبستانی) تا ششم (آشپانه خالی بازنشستگی) در چرخه زندگی خانواده کارتر و مک گلدریک (۱۹۸۲) قرار داشتند (این ملاک با دارا بودن حداقل یک فرزند در مشارکت‌کنندگان مشخص شده بود)، انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه بر اساس اصل اشباع داده‌ها تعیین شد و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته تا زمانی ادامه یافت که داده جدیدی حاصل نشود. حجم نمونه کلی بر اساس طبقه‌بندی کارتر و مک گلدریک، شامل ۹۶ زن و مرد متاهل بود.

-روش اجرای پژوهش

در ابتدا، به وسیله آگهی‌هایی که در آنها ملاک‌های ورود به پژوهش ذکر شده بود، از زنان و مردان متاهل دارای فرزند که واجد شرایط بودند، دعوت به همکاری شد. سپس، آن دسته از افرادی که جهت همکاری با پژوهشگر تماس حاصل کردند، از شرایط اجرای پژوهش مطلع شدند و با آنها قرار ملاقات گذاشته شد. در روز مصاحبه حضوری، اهداف پژوهش برای هر یک افراد بازگو شده و فرم رضایت نامه‌ای به آنها داده شد تا رضایت خود را مبنی بر ضبط جلسات و استفاده از اطلاعات مصاحبه، اعلام کنند. نهایتاً، تجارب زیسته هر فرد در مورد تغییرات متاثر از حضور فرزندان در حال حاضر، به وسیله مصاحبه نیمه ساختاریافته با سوالات بازپاسخ، و به صورت رو در رو، مورد کاوش قرار گرفت. میانگین زمان مصاحبه‌ها، حدود ۵۵ دقیقه بود. هر مصاحبه، پس از ضبط شدن، توسط پژوهشگر بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

-تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای ظهور کامل مضامین یا درون‌مایه‌های موجود در داده‌ها از شیوه تحلیل مضمون که توسط ون‌منن معرفی شده، استفاده شد.

-اعتبار و پایایی ابزار

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. به منظور تعیین اعتبار و پایایی ابزار، در مرحله طراحی سوالات، تمامی حیطه‌های اصلی مربوط به مصاحبه مشخص شدند. از آنجا که مصاحبه، تجارب زیسته مربوط به فرزندپروری را بررسی می‌کرد، حیطه‌های کلی نظیر حضور فرزندان، نقش‌ها و وظایف، نیازها، و بحران‌ها، و منابع بحرانی، مشخص شدند. در مرحله بعدی، عناوین انتخاب شده مربوط به حیطه‌ها، در یک توالی مناسب قرار گرفتند تا حساس‌ترین حیطه‌ها که می‌بایست دیرتر در مصاحبه مطرح شوند، مشخص شده و یک رده‌بندی منطقی برای سوالات اتخاذ شود. در مرحله سوم، برای هر یک از حیطه‌های تعیین شده، سوالاتی تعیین شد. و در نهایت، سوالات کاوشی که ممکن بود به دنبال پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به سوالات اصلی مصاحبه به وجود بیاید، مشخص شدند. به عنوان مثال، سوالات حیطه اول که مربوط به فرزندان بود، بدین گونه طراحی شد:

حیطه اصلی: حضور فرزندان

۱- فرزند داشتن برای شما به چه معناست؟

۲- سوال کاوشی: از نظر شما، بین زندگی بدون فرزند، و دوران والدگری، چه

تفاوت‌هایی وجود دارد؟

همچنین، به منظور بررسی قابلیت اعتماد و اعتبار داده‌های حاصل از مصاحبه، روش‌های چک کردن با مشارکت‌کنندگان، و مرور توسط همکاران، به کار گرفته شد. دربخش چک کردن با مشارکت‌کنندگان، از دو روش به شکل جداگانه استفاده شد. در اولین روش، پژوهشگر در حین مصاحبه، دائماً در حال پرسیدن سوالات روشن‌گر مصاحبه شونده بود و برداشت خود را از پاسخ مصاحبه شونده، به وی بازخورد می‌داد. در روش دوم نیز، پس از اجرای مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها، برخی از مصاحبه شونده‌ها، مجدداً دعوت شدند و مضامین به دست آمده از تحلیل مصاحبه، با آنها درمیان گذاشته شد تا نظر خود را بیان کنند. چنانچه نظر مشارکت‌کنندگان، با نتایج تحلیل، مغایر بود، نتایج مورد بازنگری قرار می‌گرفت و مضامین اصلاح می‌شدند. به علاوه، به منظور رعایت اصل مرور توسط همکاران، مصاحبه‌ها پس از تحلیل، توسط دو متخصص در زمینه تحلیل کیفی، مجدداً کدگذاری شدند. در نهایت، تعدادی مضمون اصلی، زیرمضمون، و واحدهای معنایی

حمایت کننده برای هر سه گروه نمونه به دست آمد که نمایانگر تجارب افراد در زمینه فرزند داشتن و تأثیرات فرزندان بر زندگی خانوادگی بود.

موازین اخلاقی

به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، اهداف پژوهش برای هر یک افراد بازگو شد و سپس فرم رضایت نامه‌ای به ایشان ارائه شد تا رضایت خود را مبنی بر ضبط جلسات و استفاده از اطلاعات مصاحبه در پژوهش، اعلام نمایند. همچنین، توضیحات کافی در مورد رعایت اصول اخلاقی نظیر خنثی بودن مصاحبه گر در حین انجام مصاحبه، اجتناب از قضاوت و سوگیری، رعایت اصل رازداری و بکارگیری اسامی مستعار برای اشاره به مشارکت کنندگان در پژوهش، وعدم تحریف جملات مشارکت کنندگان و بکارگیری عین عبارت گفته شده در نگارش یافته‌های پژوهش، به آنها ارائه شد. همچنین کد اخلاق دریافت شده برای پژوهش فوق، IR. SBU. REC. 1400. 042 بود.

یافته‌ها

در این بخش به یافته‌های کمی و یافته‌های کیفی به دست آمده از گروه نمونه، به شکل جداگانه پرداخته خواهد شد:

- یافته‌های کمی

در این بخش به بیان ویژگی‌های کلی مشارکت کنندگان در پژوهش، اعم از نوع و تعداد آنها، میانگین سنی، میانگین میزان تحصیلات افراد مشارکت کننده، و میانگین تعداد فرزندان آنها خواهیم پرداخت.

۲۴ نفر (۱۱ مرد و ۱۳ زن) از مشارکت کنندگان، بر اساس طبقه‌بندی کارتر و مک گلدریک، دارای فرزند تازه متولد شده، تا شش سال بودند. میانگین سنی این گروه از مشارکت کنندگان، ۳۳ سال بود. ۱۲.۵ درصد از افراد مشارکت کننده دارای تحصیلات دیپلم، ۵۰ درصد دارای تحصیلات لیسانس، ۱۶.۶ درصد دانشجوی فوق لیسانس، ۱۶.۶ درصد دارای تحصیلات به اتمام رسیده فوق لیسانس، و ۱۴.۴ درصد دارای تحصیلات دکترا بودند. همچنین، ۳.۵۸ درصد از مشارکت کنندگان دارای یک فرزند، ۲۵ درصد دارای ۲ فرزند، و ۱۶.۶ درصد دارای بیش از ۲ فرزند بودند.

۱۶ نفر (۸ مرد و ۸ زن) از مشارکت‌کنندگان، در مرحله زوجین دارای فرزند دبستانی کارتر و مک گلدریک قرار داشتند. میانگین سنی این گروه از افراد، ۳۹ سال بود. ۳۱. ۲۵ درصد دارای از افراد این گروه دارای تحصیلات دیپلم، ۱۲. ۵ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۳۱. ۲۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس، ۱۸. ۷۵ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس، و ۶. ۲۵ درصد دارای تحصیلات دکترا بودند. همچنین، ۵۶. ۲۶ درصد از مشارکت‌کنندگان دارای یک فرزند، ۳۱. ۲۵ درصد دارای ۲ فرزند، و ۱۲. ۵ درصد دارای بیش از دو فرزند بودند.

شانزده نفر (۷ مرد و ۹ زن) از افراد مشارکت‌کننده، در مرحله زوجین دارای فرزند نوجوان کارتر و مک گلدریک قرار داشتند. میانگین سنی افراد این گروه، ۴۷ سال بود. ۱۲. ۵ درصد از مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات دیپلم، ۴۳. ۷۵ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۲۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس، و ۱۸. ۷۵ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. همچنین، ۴۳. ۷۵ درصد از مشارکت‌کنندگان دارای یک فرزند، ۳۷. ۵ درصد دارای ۲ فرزند، و ۱۸. ۷۵ دارای بیش از دو فرزند بودند.

و در نهایت، ۴۰ نفر از افراد مشارکت‌کننده (۱۹ مرد و ۲۱ زن)، در مرحله آشیانه خالی و بازنشستگی کارتر و مک گلدریک قرار داشتند. میانگین سنی این افراد، حدوداً ۶۱ سال بود. ۲۲. ۵ درصد از افراد این گروه دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۴۵ درصد از مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات دیپلم، ۲. ۵ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۱۲. ۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس، ۷. ۵ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس، و ۲. ۵ درصد دارای تحصیلات دکترا بودند. همچنین، ۱۵ درصد از مشارکت‌کنندگان دارای یک فرزند، ۴۵ درصد دارای ۲ فرزند، و ۴۰ دارای بیش از دو فرزند بودند.

- یافته‌های کیفی

همان گونه که پیشتر اشاره شد، تغییرات تجربه شده متأثر از حضور فرزندان در زندگی خانوادگی، در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. مضامین اصلی، "ورود فرزند به زندگی"، "آغاز مدرسه"، "نوجوانی فرزندان: پلی بین کودکی و بزرگسالی"، "اتمام نوجوانی: ورود به دنیای بزرگسالی"، و "خروج فرزندان از منزل" را شامل می‌شد. جدول یافته‌های کیفی مربوط به تغییرات متأثر از فرزند داشتن، که حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان بود به شرح زیر است (جدول شماره ۱):

جدول شماره ۱. یافته های کیفی

مضامین اصلی	زیرمضمون ها	واحدهای معنایی حمایت کننده
ورود فرزند به زندگی	تأثیر بر رابطه زوج	کاهش کمیت یا کیفیت رابطه جنسی عدم ایفای نقش همسری (دور شدن عاطفی)
	والدگری و مراقبت از فرزند	طی شدن مراحل تحولی فرزند بی تجربگی و عدم آگاهی در بچه داری
آغاز مدرسه	چالش های تحصیلی	نوع رابطه فرزندان با اولیای مدرسه سازگاری فرزند با شرایط جدید
نوجوانی فرزندان: پلی بین کودکی و بزرگسالی	روابط اجتماعی فرزندان	نگرانی از دوستی نوجوان با افراد نامناسب نگرانی در مورد رابطه با جنس مخالف
	مشکلات تحصیلی	افت تحصیلی عدم موفقیت در کنکور
	تحولات فردی فرزندان	تغییرات خلقی و رفتاری
اتمام نوجوانی: ورود به دنیای بزرگسالی	دغدغه آینده فرزندان	آینده شغلی فرزند ازدواج مناسب تامین مخارج فرزندان بزرگسال
خروج فرزندان متاهل از منزل	تأثیر خروج فرزندان بر رابطه زوج	سرد شدن رابطه جنسی افزایش بحث و جدل

فرزند به زندگی

مضمون اصلی در این مرحله، تغییرات به وجود آمده مربوط به ورود فرزند به زندگی زناشویی در نظر گرفته شد. این تغییرات شامل زیرمضمون های "تأثیر بر رابطه زوج"، و "والدگری و مراقبت از فرزند" بود.

-تأثیر بر رابطه زوج

یکی از مسائلی که والدین، پس از به دنیا آمدن فرزند اول تجربه می‌کنند، تأثیر تغییر شرایط با رابطه زوجی است. واحدهای معنایی حمایت‌کننده‌ای که این زیرمضمون را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

کاهش کمیت یا کیفیت رابطه جنسی

برخی از شرکت‌کنندگان، معتقد بودند که متولد شدن فرزند، بر کیفیت یا کمیت رابطه جنسی آنها تأثیر گذاشته است و هر دو این موارد را کاهش داده است. به عنوان مثال، مشارکت‌کننده شماره سه بیان کرد: "رابطه جنسی من به مقدار سرد شد و از شدت خستگی گاهی اصلاً وقت نمی‌کردیم به هم نگاه کنیم".... و مشارکت‌کننده شماره پانزده اظهار داشت: "خب آدم بلاخره وقتی که تو طول روز آدم خسته میشه چه ذهنی چه جسمی. دیگه می‌شد که مثلاً میومد طرف من و میگفتم خستم خوابم میاد بیدارم نکن. یا مثلاً جیغ می‌کشیدم می‌گفتم وقتی الان من خوابم تو میبینی من خوابم و حوصله رابطه ندارم. کلاً انقدر خسته بودم که دلم نمی‌خواست سکس کنم".

عدم ایفای نقش همسری (دور شدن عاطفی همسران)

عدم ایفای نقش همسری و دور شدن عاطفی همسران از یکدیگر نیز، از تغییرات ایجاد شده در زندگی والدین به شمار می‌رفت. به عنوان مثال، مشارکت‌کننده شماره نوزده گفت: "چون باید خیلی به بچه رسیدگی می‌شد و خب تلاش می‌کردیم جواب نیازهای بچه رو بدیم و به ذره فاصلمون دور شد و اصلاً خودمون رو یادمون رفته بود و فقط انگار مامان بابا بودیم".... مشارکت‌کننده شماره هفت اظهار داشت: "خانومم از وقتی میاد خونه به ثانیه از دخترمون جدا نمیشه و گاهی بهش میگم قدیمیا میگن دختر هووی مادره اما واسه ما برعکسه".... و مشارکت‌کننده شماره یک گفت: "یادمون رفته که قبلش چطوری دو نفری با هم حرف می‌زدیم. الان فقط راجع به بچه حرف می‌زنیم با هم".

-والدگری و مراقبت از فرزند

زیرمضمون بعدی در زمینه مربوط به تولد اولین فرزند، والدگری و مراقبت از فرزند نام داشت که واحدهای معنایی حمایت‌کننده‌ای نظیر "طی شدن مراحل تحولی فرزند"، "بی تجربگی و عدم آگاهی در بچه داری"، و "مسائل مربوط به سلامتی و بیماری فرزند" را شامل می‌شد:

طی شدن مراحل تحولی فرزند

طی شدن مراحل تحولی فرزند نیز یکی از تجربیات مهم والدین در زمینه مراقبت از فرزند تلقی می‌شد. مشارکت کننده شماره نوزده بیان کرد که: "بچه م از پنج سالگی شیطنتاش خیلی شروع شد و واقعا دیوونه مون می‌کرد. اصلا یجوری شده بود دیگه حرف گوش نمی‌داد"..... "مشارکت کننده شماره چهارده گفت: "دندون دراوردنش خیلی مصیبت بود. همسر بیچاره که از سرکار میومد هی با این ور میرفت. از این مسواک ژله ای‌ها داشت که عمه‌اش خریده بود. با اون باهاش ور میرفت تا درد دندونش کم شه بچه. بعد دوساعت به زور آروم می‌شد"

بی تجربگی و عدم آگاهی در بچه داری

برخی از والدین، بی‌تجربگی و عدم آگاهی در بچه داری را در مراقبت از فرزند خود تجربه کرده بودند. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره یک گفت: "مثلا شده من دختر بزرگمو یه شب سه تا دکتر بردم چون این حسه فقط برای بچه اوله، تجربه نداری و ناآشنا هستی و هی نمیدونی چیکار کنی ولی این حس توی دومی و سومی کمتر میشه کم کم دستت میاد چیکار باید بکنی".... مشارکت کننده شماره دوازده گفت: "بعد از اینکه سیزده روزش بود از خونه مامانم اومدم خونه خودمون. وقتی همسر رفت اداره من مونده بودم چیکار کنم با این. یعنی اصلا نمیدونستم چیکار باید بکنم استرس گرفته بودم".

مسائل مربوط به سلامتی و بیماری فرزند

و در نهایت، در طول نگهداری و مراقبت از فرزند، گاهی مسائلی مربوط به سلامتی و بیماری فرزند پیش می‌آمد که افراد را به عنوان والد نوپا، با مشکلاتی روبرو می‌ساخت. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره چهار گفت: "نصفه شب مریض می‌شد می‌بردیمش دکتر"..... مشارکت کننده شماره یک گفت: "زردی داشت، یه روز در میون می‌رفتم دکتر ببینم زردیش کمتر شده یا نه. خیلی هم پر استرس بود، همش زنگ میزدن بهم میگفتن نسترن مواظب باش زردیش بالا نرها، بالا بره باید خونشو عوض کنن".

۲- آغاز مدرسه

پس از طی کردن شش سال اول زندگی، فرزندان وارد دوران دبستان می‌شوند و فصل جدیدی در زندگی آنها آغاز می‌گردد. والدینی که دارای فرزند دبستانی بودند اظهار داشتند که در این مرحله با تغییرات مختلفی روبرو می‌شوند. مهم‌ترین تجربه‌ای که

والدین دارای فرزند دبستانی را به خود مشغول می‌سازد، چالش‌های مربوط به تحصیل و مدرسه رفتن فرزندان گزارش شد.

-چالش‌های تحصیلی-

یکی از تجربیات مهم در دوران دبستان فرزندان، چالش‌های مربوط به تحصیل گزارش شد. واحدهای معنایی حمایت کننده‌ای که این زیرمضمون را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

سازگاری فرزند با شرایط جدید

برخی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که سازگاری فرزندان با شرایط جدید و مدرسه رفتن، راحت نبوده است و برای آنها مشکل آفرین شده است. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره دو گفت: "روز اول گریه می‌کرد می‌گفت من مدرسه نمی‌مونم می‌خوام برگردم خونه".... مشارکت کننده شماره سه نیز بیان کرد: "اوایل دوس نداشت مدرسه رو. می‌گفت بچه‌ها اذیتم می‌کنن. جئه شم ریز بود".... مشارکت کننده شماره شانزده گفت: "روز اول دوس نداشت بره سر کلاس. انقدر گریه کرد که من بیرون در کلاس نشستم تا زنگ آخر".

نوع رابطه فرزندان با اولیای مدرسه

نوع روابط فرزند با اولیای مدرسه نیز از مسائلی بود که والدین دارای فرزند دبستانی با آن مواجه بودند. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره یک بیان کرد که: "هر روز می‌ومد گریه می‌کرد می‌گفت معلم دعوا می‌کنه".... مشارکت کننده شماره ده گفت: "با معلمش نمی‌ساختن با هم. هر روز یه بساطی داشتیم ما".... مشارکت کننده شماره سه اظهار داشت: "مدیرشون چند بار بخاطر شیطنتش برده بودش دفتر تنبیهش کرده بود. اینم لچ کرده بود بدتر می‌کرد".... مشارکت کننده شماره گفت: "یه روز انقدر حرف زده بود، معلمش از کلاس انداخته بودش بیرون".

۳- نوجوانی فرزندان: پلی بین کودکی و بزرگسالی

به نظر می‌رسد که والدین دارای فرزند نوجوان، تغییرات متفاوتی را در زندگی خود تجربه می‌کردند. در واقع، نوجوانی به عنوان پلی بین دوران کودکی و بزرگسالی، نیازهای خاص خود را می‌طلبد. والدینی که دارای فرزند نوجوان بودند گزارش کردند که در

زمینه روابط اجتماعی، مشکلات تحصیلی، و تحولات فردی فرزند نوجوان خود نگران هستند و این نگرانی، بر زندگی خانوادگی آنها تأثیر گذاشته است.

-روابط اجتماعی

یکی از مشکلات گزارش شده توسط شرکت کنندگان، روابط اجتماعی فرزندان نوجوان آنها بود. واحدهای معنایی حمایت کننده‌ای که این زیرمضمون را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

نگرانی از دوستی نوجوان با افراد نامناسب

والدین گزارش کردند که یکی از مشکلات آنها با فرزند نوجوان خود، نگرانی از دوستی فرزندشان با افراد نامناسب بود. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره هفت بیان داشت که: "دوستاش دارن فرق می‌کنن. همه اینا رو ما خیلی نگران هستیم از روابطش که با کیا می‌گرده".... مشارکت کننده شماره یازده گفت: "یا مثلا همش نگران بودم پسر دومم که تئاتر کار می‌کرد، گیر دوست ناباب و سیگار و اینا نیفته".... مشارکت کننده شماره سه بیان کرد: "همش ترس داشتم با کسی دوست نشه از راه بدر شه".

نگرانی در مورد رابطه با جنس مخالف

از دیگر نگرانی‌های والدین، ارتباط فرزند آنها با جنس مخالف گزارش شد. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره شانزده گفت: "خب من می‌دونستم دوس دختر داره. اما حتی نمی‌دونستم کیه. این بیشتر نگرانم می‌کرد".... مشارکت کننده شماره شش بیان کرد: "خیلی چت می‌کرد شبا. من و همسرم نگران بودیم که نکنه پای کسی در میونه"..... "مشارکت کننده شماره نه گفت: دختر خب قضیه ش خیلی فرق می‌کنه. مریم وقتی همش گوشی دستشه من می‌گم لابد با کسی دوست شده به ما نمی‌گه. خیلی استرس دارم".

-مشکلات تحصیلی

یکی دیگر از مشکلات تجربه شده توسط والدین دارای فرزند نوجوان، مشکلات تحصیلی این فرزندان بود. واحدهای معنایی حمایت کننده‌ای که این زیرمضمون را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

افت تحصیلی

والدین گزارش کردند که از مسائلی که باعث نگرانی آنها شده بود، افت تحصیلی فرزند نوجوان‌شان بود. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره دو گفت: "ولی وقتی بچه راهنمایی میره، حالا ما نظام قدیم هستیم می‌گیم راهنمایی هنوز. اما تو اون دوره سختیاش بیشتره. ما اون فشار رو بیشتر حس کردیم. اولین نمره‌های کمش رو گرفت. چون درس‌ها دیگه به آسونی قبل نبود"..... مشارکت کننده شماره یازده اظهار داشت: "یادمه امسال که کلاس نهم بود واقعا به خودش فشار می‌آورد اما باز من یه درس رو افتاد"..... مشارکت کننده شماره پانزده بیان کرد: "فقط خب یکم برای نوجوونی نگران شونیم دیگه. مثلا پسر کوچیک م اصلا درس نمی‌خواند یه دوره‌ای. خیلی زمان برد که تونست راهش رو توی درس پیدا کنه".

عدم موفقیت در کنکور

همچنین، یکی دیگر از مسائل تجربه شده توسط والدین، عدم موفقیت فرزند آنها در کنکور گزارش شد. به عنوان نمونه، مشارکت کننده شماره شش گفت: "بچه نتونست اونجوری که باید و شاید کنکور بده"..... مشارکت کننده شماره هشت بیان کرد: "انقدر استرس داشت سر جلسه که خراب کرد کنکورو"..... مشارکت کننده شماره سیزده گفت: "متاسفانه نتونست رتبه‌ای بیاره که به پزشکی بخوره"..... مشارکت کننده شماره پانزده گفت: "امیر می‌خواست شریف قبول شه. اما بخاطر مسائل پیش اومده رتبه ش خیلی بالا شد و مجبور شد بره دانشگاه آزاد بخونه"

-تحولات فردی فرزندان

و در نهایت، سومین زیرمضمون، تحولات فردی فرزند نوجوان بود که والدین را با مشکلاتی مواجه کرده بود. واحدهای معنایی حمایت کننده‌ای که این زیرمضمون را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

تغییرات خلقی و رفتاری

تغییرات خلقی و رفتاری، یکی از مصداق‌های تحولات فردی فرزندان نوجوان بود که والدین را نگران می‌کرد. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره دو گفت: "اصلا با ما حرف نمی‌زد. یکسره تو اتاق بود"..... مشارکت کننده شماره هفت بیان کرد: "یه دوره‌ای خیلی پرخاشگری می‌کرد. آدم جرات نمی‌کرد بگه بالای چشمش ابروئه"..... مشارکت کننده شماره نه گفت: "موزیک‌های عجیب گوش می‌داد. لباس و تیپش فرق کرده بود. من نگران بودم"..... مشارکت کننده شماره پانزده اظهار داشت: "من تا می‌ومدم نگرانیمو

بروز میدم می‌گفت شما چرا انقدر دخالت می‌کنید تو زندگی شخصی من؟ کلا رفتارش عوض شده بود"

۴- اتمام نوجوانی: ورود به دنیای بزرگسالی

والدین دارای فرزندان بزرگسال مجرد، اذعان داشتند که با ورود فرزندان نوجوان خود به دنیای بزرگسالی، دچار تغییراتی در زندگی خود شده‌اند. از آنجا که به نظر می‌رسید که در خانواده‌های ایرانی، مفهوم آشیانه خالی به آن معنا که نوجوانان، خانه پدری را ترک کنند وجود ندارد و بیشتر افراد در ایران، تا قبل از ازدواج در خانه پدری ساکن هستند و حتی گاهی جدایی مکانی فرزندان مجرد (به علت شغل یا تحصیل) نیز به منزله استقلال از خانواده تلقی نمی‌شود، برخی از افراد مشارکت کننده اذعان داشتند که تا دوران کهنسالی نیز آشیانه خالی و ترک فرزندان را در ایران تجربه نکرده‌اند. در پی تحلیل مصاحبه‌ها، یک زیرمضمون کلی تحت عنوان "دغدغه آینده فرزندان" استخراج شد که عبارتست از:

- دغدغه آینده فرزندان

مهم‌ترین نگرانی که افراد در دوران میانسالی و سالمندی با آن روبرو بودند، آینده فرزندان بود. افراد به تجربیاتی نظیر نگرانی بابت آینده شغلی فرزندان، ازدواج مناسب آنها، و مخارج فرزندان بزرگسال اشاره نمودند.

آینده شغلی فرزندان

یکی از تجارب والدین در این مرحله، نگرانی بابت آینده شغلی فرزند خود بود. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره یک اظهار داشت: "البته واقعا یه استرس زیادی هم که همیشه داشتیم سر این بود که بچه‌ها برن سرکار. واقعا اذیت شدیم تا اینا هر کدوم یه کار ثابت پیدا کردن و مشغول شدن".... مشارکت کننده شماره سه اظهار داشت: "من بیشترین نگرانی م سر بچه هامه که مشکلات مالی دارن. پسرم بیکاره و نگرانم چطوری می‌خواد دو روز دیگه گلیم خودشو از آب بکشه بیرون".

ازدواج مناسب

از دیگر مسائلی که در دغدغه آینده فرزندان مورد توجه مشارکت‌کنندگان بود، ازدواج مناسب فرزندان مجرد بود. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره هفت بیان کرد: "ولی نگرانم که نکنه آدم خوبی پیدا نکنه و سنش بره بالا و مجرد بمونه"..... مشارکت کننده

شماره نه گفت: "هی به خودم میگم کاش اینم سر و سامون بگیره ما یه نفس راحت بکشیم. یه آدم خوب پیدا کنه"..... مشارکت کننده شماره یازده بیان کرد: "یکی دیگه م هم اینه ک دخترم ازدواج نکرده و ما نگرانیم نکنه تنها بمونه. نکنه آدم مناسبی براش پیدا نشه. اگر ما فوت کنیم و یه روز نباشیم، این دختر بی سر و سامون می‌مونه".

تامین مخارج فرزندان بزرگسال

برخی از شرکت‌کنندگان، به شدت نگران تامین مخارج مختلف زندگی و فرزندان بودند. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره سه گفت: "بچه‌ها هر چی بزرگتر میشن خرجشونم بیشتر میشه. همه ش هم که با منه".... مشارکت کننده شماره چهار اظهار داشت: "والا الان همش باید فکر پس انداز برای این بچه‌ها باشیم که واسه شون عروسی بگیریم و جهاز بخریم.".... مشارکت کننده شماره هفت گفت: "خب بچه‌ها همه مصرف کننده ن. هیچکس که پولی نمیاره تو خونه. دیگه تمام بار مالی رو دوش شوهرمه". در نتیجه، به منظور تامین مخارج مالی فرزندان، برخی از افراد نیز پس از بازنشستگی برای تامین مخارج خانواده، به شغل دوم روی آورده بودند. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره پنج گفت: "الان غروبا می‌رم اسنپ کار می‌کنم که حداقل کنار حقوقم، یه پولی هم دربیارم"

۵- خروج فرزندان از منزل

و در نهایت، والدینی که فرزندان آنها ازدواج کرده و خانه را ترک کرده بودند، به تغییرات این دوران اشاره نمودند. آنها اظهار داشتند که خروج فرزندان از منزل، تأثیر منفی بر رابطه زوجی آنها با همسرشان داشته است.

تأثیر خروج فرزندان بر رابطه زوج

واحدهای معنایی حمایت کننده‌ای که این زیرمضمون را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

سرد شدن رابطه جنسی

برخی مشارکت‌کنندگان، سرد شدن رابطه جنسی خود با همسرشان را به عنوان یک تغییر منفی ذکر کردند که نشان از افزایش فاصله آنها داشت. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره بیست و یک اظهار داشت: "به نظر من خانوم باید در تمام مسائل و امور زندگی در خدمت شوهر باشه. ببخشید اینی که من میگم شما در آینده پزشک میشی محرم هستین. خانوم خونه باید به همسرش سرویس بده. اکثر مردهایی که هرز میشن

۵۰ درصد مقصر خانومشونه. مثلا الان خانوم من خیلی سرده نسبت بمن. خیلی کم رابطه جنسی داریم"..... مشارکت کننده شماره شانزده گفت: "من خودم خیلی سعی کردم رعایت کنم و همیشه سعی کردم تو جمع خیلی بهش توجه کنم و محبت کنم. اما خب اون رابطه جنسی رو ازش نمی‌بینم و یکم اذیت میشن دیگه"..... و مشارکت کننده شماره سی و دو گفت: "خب دیگه ماهی سالی به زور یه رابطه‌ای داریم. خانومم میلش سرد شده دیگه".

افزایش بحث و جدل

از دیگر تغییراتی که افراد در این زیرمضمون به آنها اشاره کردند، افزایش بحث و جدل‌ها بود. به عنوان مثال، مشارکت کننده شماره چهار گفت: "اینم بگم که خواهرهای خود من دخالت می‌کردن تو زندگی‌مون. با وجود اینکه من خودم حاکم بودم ولی پنهانی دخالت بیجا می‌کردن. اذیت می‌شد و همین خیلی باعث می‌شد سر دخالت‌های خانوادم با هم درگیر شیم. اینا هنوزم براش حل نشده و همش مطرح می‌کنه و دعوا درست می‌کنه"..... مشارکت کننده شماره دوازده بیان کرد: "ببینید شوهر من جوون بود کارگری می‌کرد و به یه تخم مرغ راضی بود. اما بعدش که وضعش خوب شد اول رفت به خانواده خودش رسید تا به زن و بچه ش. من اینا از دلم کنار نرفتم. همیشه می‌گم بهش و همیشه هم دعوا داریم سرش"..... مشارکت کننده شماره سی و نه گفت: "برداشت ما رو از تهران کشوند برد زنجان که بتوه خواهرشو شوهر بده. می‌گفت تهران کسی ما رو نمیشناسه شوهر براش گیر نمیاد. من هنوزم ازش راضی نیستم. هنوزم قبول نمی‌کنه بخاطر خواهرش ما رو بدبخت کرد. دعوا داریم همش".

بحث و نتیجه گیری

والد شدن، به عنوان یکی از پر استرس‌ترین انتقال‌ها در طول تجربه زندگی خانوادگی به شمار می‌رود که نیازمند بازشناسی تجارب درونی و رفتارهای بیرونی در طول گستره عمر والدگری (از بدو تولد فرزند تا ازدواج و بچه‌دار شدن وی) است (جونز و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهش حاضر، با هدف شناسایی تجارب افراد از بچه داشتن، و تغییرات ایجاد شده در زندگی خانوادگی که متاثر از حضور فرزندان بود انجام شد. این تأثیرات، با ورود فرزندان به زندگی شروع می‌شوند و با خروج فرزندان از منزل، ادامه می‌یابند. در ادامه به بررسی یافته‌های پژوهش، پرداخته خواهد شد.

داده‌های حاصل از مصاحبه با خانواده‌هایی که فرزندان آنها به تازگی متولد شده یا بسیار کوچک بودند نشان داد که این خانواده‌ها، تغییراتی نظیر تأثیر ورود فرزند بر رابطه زوجی، و مسائل مربوط به والدگری و مراقبت از فرزند را تجربه می‌کنند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، یکی از تأثیرات ورود فرزند در زندگی زوجین، ایجاد مشکلاتی در رابطه زوجی، بالاخص کاهش کمیت و کیفیت رابطه جنسی، و دور شدن عاطفی همسران از یکدیگر بود. پژوهش‌های طولی حاکی از آن است که بیشتر مادران پس از زایمان اول (حدود ۹۳ درصد)، با کاهش رضایت از رابطه زناشویی مواجه می‌شوند (کیزر و سنک، ۲۰۱۲). اگر چه به نظر می‌رسد که میزان علاقه جنسی پدرها پس از بچه‌دار شدن ثابت می‌ماند (فیسچمن، رنکین، سوکن، و لنز، ۱۹۸۶)، همچنان علیرغم بالا بودن میل جنسی؛ میزان کمتر فعالیت جنسی و کاهش رضایت جنسی در پدران گزارش شده است (کوندون، کورکیندیل، و بویس، ۲۰۰۴؛ ماس، مک دنیل، فینبرگ، و جونز، ۲۰۱۸). همان گونه که مشاهده می‌شود، نتایج پژوهش‌ها، با نتایج پژوهش ما همسو است. در واقع، طبق یافته‌های پژوهش حاضر، به عللی همچون افزایش مسئولیت‌های مربوط به فرزند پروری، بر هم خوردن نظم پیشین زندگی نظیر زمان و میزان خواب، اختصاص دادن زمان زیاد به ارضای نیازهای فرزند تازه متولد شده، خستگی، و عوامل دیگر، در زوجین ایرانی نیز تا مدت‌ها پس از زایمان، با کاهش میزان و کیفیت رابطه جنسی، و دور شدن عاطفی همسران از یکدیگر مواجه هستیم.

زیرمضمون بعدی، والدگری و مراقبت از فرزند نام داشت. طبق این پژوهش، طی شدن مراحل تحولی فرزند، بی‌تجربگی و عدم آگاهی در بچه داری، و مسائل مربوط به سلامتی و بیماری فرزند، برای والدین تبدیل به مساله شده بود. در واقع، بیشترین استرس والدگری، به علت عدم تجربه و آگاهی کافی، مربوط به تولد فرزند اول است. زوستک و برگر (۲۰۱۷) ادعان داشتند که والدین قادر خواهند بود تا از تجربیات فرزند اول خود در زمینه‌های مختلف، از تعویض پوشک در دوران نوزادی گرفته تا آماده کردن فرزند برای اولین روز مدرسه در کودکی، تا درک رفتارها در دوره نوجوانی، استفاده کنند و در موقعیت‌های مشابه که برای فرزندان بعدی رخ می‌دهد، موثرتر عمل کنند. بنابراین به نظر می‌رسد که یافته‌های پژوهش فوق، با پژوهش‌های انجام شده در دنیا همسو است و یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در والدینی که فرزند اول آنها متولد شده است، بی‌تجربگی و عدم آگاهی در بچه داری، والدین را دچار اضطراب بالایی می‌کند.

داده‌های حاصل از مصاحبه با خانواده‌هایی که دارای فرزندان دبستانی بودند نشان داد که این خانواده‌ها، بیشترین تأثیرات را در زمینه تحصیلی فرزندان خود تجربه کرده و مواردی همچون ارتباط با اولیای مدرسه، و سازگاری فرزند با شرایط مدرسه را به عنوان تغییراتی که در برنامه‌ریزی آنها برای زندگی پیش آمده گزارش می‌کنند. اکثر پژوهش‌ها در زمینه ورود به مدرسه، به تجارب کودکانی پرداخته‌اند که مدرسه را آغاز نموده‌اند و لذا پژوهش‌های اندکی در زمینه تجارب والدین این فرزندان وجود دارد. این در حالی است که امروزه ثابت شده است که والدین، نقش مهمی را در موفقیت‌های تحصیلی فرزندان ایفا می‌کنند (فابین و دانلاپ، ۲۰۰۷). به عنوان مثال، پژوهش فابین و دانلاپ (۲۰۰۷) نشان داد که والدینی که فرزند آنها مدرسه را آغاز می‌کند، با چالش‌هایی نظیر یافتن مدرسه مناسب، برآورده کردن درخواست‌های مدرسه به عنوان والد، و نقش والدین در موفقیت فرزندان در مدرسه، مواجه می‌شوند. همچنین، پژوهش‌ها حاکی از آن است که داشتن رابطه ایمن با والدین و حمایت شدن از سوی خانواده، به عنوان عاملی در جهت موفقیت تحصیلی و پیشگیری از مدرسه‌گریزی به شمار می‌رود (کولمن و هگل، ۲۰۰۷). در واقع، منظور از حمایت والدین، رفتارها و تعهداتی است که موقعیت‌ها و امکانات لازم به منظور یادگیری، حضور در فعالیت‌های مختلف مدرسه، رقابت فرزندان همشیر، و ارائه بازخورد مناسب نسبت به عملکرد فرزندان را شامل می‌شود (هالت، تمینن، بلک، مندیگو و فاکس، ۲۰۰۹). همچنین طبق مطالعات انجام شده، مشارکت مشتاقانه والدین در فرایند تحصیلی فرزندان، کمک به انجام تکالیف درسی، نظارت بر فعالیت‌های آموزشی فرزندان، ملاقات با اولیای مدرسه، و مدیریت رقابت‌های تحصیلی فرزندان، کیفیت آموزش را در دوران دبستان ارتقا می‌دهد (وندربلوچیم، ونگلدن، و کسلز، ۲۰۱۹). همان‌طور که مشاهده می‌شود، یافته‌های پژوهشی، با یافته‌های پژوهش ما همسو است. طبق یافته‌های ما نیز والدین در آغاز ورود فرزندان به مدرسه، درگیر مسائل تحصیلی فرزندان خود، سازگار کردن آنها با شرایط مدرسه، و مدیریت کردن رقابت تحصیلی آنها با یکدیگر می‌شوند. این امر حاکی از آن است که در جامعه امروز ایران، برخلاف گذشته، ورود فرزندان به مرحله جدیدی همچون مدرسه، نه تنها سبک زندگی خود آنها را به عنوان دانش‌آموز تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه مشارکت والدین و تغییراتی در دغدغه‌های مادر و پدر را نیز به دنبال خواهد داشت.

طبق پژوهش حاضر، والدین دارای فرزند نوجوان نیز، نگران مشکلات تحصیلی فرزندان، روابط اجتماعی آنها، و تحولات فرزندان هستند. به نظر می‌رسد که یافته‌های پژوهش حاضر، در مورد نگرانی‌های والدین در سنین نوجوانی فرزندان، با پژوهش‌های انجام شده در ایران و دنیا همسو است. در واقع، دوران نوجوانی، دورانی است که بالاترین میزان تعارضات با والدین وجود دارد و روابط والد-فرزند، نقش مهمی را در زندگی نوجوانان ایفا می‌کند. همچنین، سبک زندگی والدین و نقش‌های آنان در این دوران، تحت تأثیر مسائل مربوط به بلوغ فرزندان قرار می‌گیرد (کوبین، شیهان، هیری، و وایل، ۲۰۱۹). به عنوان مثال، پژوهش‌ها حاکی از آن است که خانواده‌های منسجم و حمایتگر در تنظیم موثر هیجانات منفی نوجوانان، نقش مهمی ایفا می‌کنند (هولتبرگ، موریس، کویی، و هنری، ۲۰۱۶). طبق پژوهش عباسی و همکاران (۱۳۸۸) نیز این طور به نظر می‌رسد که روابط خانواده به شکل مجدد به ارتباط‌های درون هسته‌ای خانواده سوق می‌یابد تا بحران نوجوانی پشت سر گذاشته شود. تغییرات در ساختار خانواده برای رویارویی با تکالیف دوره نوجوانی به قدری مهم است که خانواده را از یک واحد پرورش دهنده فرزندان کوچک، به هسته اصلی آماده کردن نوجوان برای ورود به دنیای بزرگسالی تبدیل می‌کند. در واقع به نظر می‌رسد که یافته‌های پژوهشی با یافته‌های این پژوهش همسو است و نوجوانان به علت تغییراتی که در خلیقات و هویت خود تجربه می‌کنند، والدین را در مورد زندگی تحصیلی، اجتماعی، و جنسی خود نگران می‌کنند. این نگرانی، و حتی عدم اختصاص دادن استقلال و آزادی کافی به فرزندان نوجوان، حتی در جامعه و فرهنگ ایرانی بیشتر است؛ زیرا تمایز یافتگی فرزندان از والدین، در ایران ممکن است حتی تا پس از ازدواج فرزندان نیز رخ ندهد.

در نهایت، داده‌های حاصل از مصاحبه با خانواده‌های دارای فرزند بزرگسال مجرد نشان داد که این خانواده‌ها، دغدغه آینده فرزندان خود را دارند. طبق یافته‌های پژوهش، نگرانی‌های مرتبط با دغدغه آینده فرزندان بزرگسال مجرد، مواردی نظیر آینده شغلی، ازدواج مناسب، و تامین مخارج فرزندان بود. امروزه، بزرگسالان جوان، طی مدت زمان طولانی تری نسبت به نسل گذشته، وارد انتقال به مرحله بزرگسالی می‌شوند. افراد جوان بزرگسال، امروزه دیرتر ازدواج می‌کنند و مدت زمانی بیشتری طول می‌کشد تا از نظر مالی، از خانواده مبداء، مستقل شوند (لبارون، روزا-هولیاثوک، برایس، هیل، و مارکس، ۲۰۱۸). بدون حمایت مالی والدین، ممکن است بزرگسالان جوان تصمیم بگیرند که

دوره کاوش را کوتاه کنند، از تحصیلات تکمیلی صرف نظر کنند و با سرعت بیشتری به کار تمام وقت بپردازند (آکوئیلینو، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش لنز، سورگنته، و دانس (۲۰۲۰) حاکی از آن است که کیفیت ارتباطات خانواده از طریق پذیرفتن والدین به عنوان یک الگوی مالی، تأثیر مثبت و غیرمستقیمی بر رفاه مالی ذهنی فرزندان دارد. به نظر می‌رسد که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، نگرانی‌های والدین بیشتر معطوف به فرزندان و آینده آنان است. به عنوان مثال، در تایوان که فرهنگ جمع‌گرای آن به فرهنگ ایران، نزدیکی بیشتری دارد، دغدغه‌های والدین میانسال، بیشتر بر آینده فرزندان تمرکز دارد. در واقع پژوهش هسیائو (۲۰۱۷) در تایوان حاکی از آن بود که والدین میانسال همواره نگران مسائل تحصیلی و شغلی فرزندشان در دوران جوانی هستند و آنها را در این امر حمایت می‌کنند. همچنین از نظر هونگ (۲۰۱۲)، با توجه به این ایده سنتی که "درس خواندن منجر به اخذ بالاترین سطح اجتماعی می‌شود"، والدین تایوانی بیشترین استرس خود را در دوره میانسالی تجربه می‌کنند، و این استرس مربوط به فرزندانشان است که دوران اوایل جوانی قرار دارند. در واقع، با توجه به یافته پژوهش ما مبنی بر نگرانی والدین میانسال و سالمند ایرانی برای آینده فرزند خود (نظیر ازدواج مناسب، شغل مناسب، سربازی رفتن، و غیره)، می‌توان گفت که گویا مرحله بزرگسال جوان ناوابسته یا مستقل که در نظریه میانسالی لوینسون به آن اشاره شده است، در فرهنگ ایرانی به شکل متفاوتی تجربه می‌شود. به نظر می‌رسد که با توجه به نتایج پژوهش فوق، تمایز یافتگی روانشناختی و فیزیکی فرزندان از والدین میانسال، ممکن است تا پس از دواج هم انجام نشود. در واقع، به نظر می‌رسد که در خانواده‌های ایرانی، مفهوم آشیانه خالی به آن معنا که نوجوانان، خانه پدری را ترک کنند وجود ندارد.

گروه دیگری که در پژوهش فوق مورد بررسی قرار گرفتند، والدین دارای فرزند بزرگسال متأهل بودند. در این مرحله، فرزندان خانه را ترک کرده و والدین به شکل دونفری زندگی می‌کردند. تغییرات تجربه شده در این دوران که متأثر از خروج فرزندان از منزل بود، مرتبط با ارتباط زوجی والدین بود. تعارضات مرتبط با رابطه همسران، شامل سرد شدن رابطه جنسی، و افزایش بحث و جدل بود. به گفته پپ (۲۰۱۸)، شواهد موجود در مورد تعارضات زوجی در دوران میانسالی، انواع یافته‌های متفاوتی را نشان می‌دهد. در برخی از مطالعات ناهمسو با نتایج پژوهش ما، مشخص شد که دوران آشیانه خالی، با کیفیت بالاتر رابطه زناشویی (گورچوف، جان، و هلسون، ۲۰۰۸)، و میزان پایین‌تر

تعارض زناشویی (مک کی و اوپرین، ۱۹۹۹) همراه است. این پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که زوجینی که فرزندان آنها همچنان در منزل هستند، مشاجرات بیشتری را نسبت به افرادی که مدتی است در دوره آشیانه خالی قرار دارند تجربه می‌کنند (پپ، ۲۰۱۸؛ گورچوف، جان، و هلسون، ۲۰۰۸). در واقع یافته‌های زیادی نشان داده‌اند که حضور فرزندان در منزل، تأثیرات منفی بسیاری بر کیفیت رابطه زوجی والدین می‌گذارد (ژنگ، ۲۰۲۰). این در حالی است که پژوهش‌های همسو با نتایج پژوهش حاضر، بر افزایش احتمال طلاق و تعارض، پس از خروج فرزندان از خانه (هایدمن، و سوهملی نوا، و اورند، ۱۹۹۸) تأکید کرده‌اند. در واقع طبق پژوهش‌ها، خروج فرزندان از منزل می‌تواند منجر به بروز احساسات منفی در دوران آشیانه خالی شود (بوچارد، ۲۰۱۴، و شریف و ویترال، ۲۰۰۹) که این احساسات قادرند تا بر کیفیت رابطه زوجی تأثیر بگذارند. ونلاینگهام، جانسون، و آماتو (۲۰۰۱) نیز دریافتند که شادکامی زناشویی با افزایش سن ازدواج رابطه دارد. یافته‌های آنان نشان داد که شادکامی زناشویی در طول عبور از چرخه زندگی خانوادگی کاهش پیدا می‌کند.

پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده‌اند، نتایج متفاوتی را نشان داده می‌دهند. به عنوان مثال، مشخص شد که تعهد زناشویی (مهری، ۱۳۹۵) و اتحاد بین زوجین (کارآیین، ۱۳۹۶) در بین زوجین ایرانی به شکل یک منحنی U شکل است. بدین صورت که تعهد بین زوجین و اتحاد و پیوستگی آنها در سال‌های اولیه ازدواج، بالا بوده و در سال‌های میانی ازدواج، به تدریج کاهش می‌یابد. از سویی، تعهد و اتحاد، در سال‌های آخر ازدواج مجدداً رو به افزایش می‌گذارد (مهری، ۱۳۹۵؛ کارآیین، ۱۳۹۶). در تبیین این امر می‌توان اظهار داشت که تعهد بین زوجین، و اتحاد آنها ممکن است در مسیر حمایت از فرزندان بزرگسال خود، مراقبت از نوه‌ها، و یا حفظ خانواده توسط والدین به عنوان پایگاه امنی برای عروس/داماد، فرزند، و نوه باشد. این اتحاد و تعهد بالاتر زوجین نسبت به مراحل قبلی، لزوماً به این معنا نخواهد بود که آنها روی رابطه زوجی خود متمرکز شده‌اند و در جهت بهبود آن گام برمی‌دارند. در واقع، این اتحاد و تعهد و رضایت، لزوماً ناشی از بالا رفتن کیفیت رابطه زوجی و ارتباط جنسی نیست.

پژوهش فوق، دارای محدودیت‌هایی نیز بود. مهم‌ترین محدودیت آن، مربوط به همزمانی بخشی از نمونه‌گیری پژوهش با پاندمی کووید ۱۹ بود که نمونه‌گیری را با دشواری روبرو ساخت. به علاوه، به علت جلوگیری از نشر بیماری، برخی از افراد مشارکت‌کننده با

ماسک در جلسات مصاحبه حاضر شدند و این امر باعث شد تا بخشی از داده‌ها که مربوط به تظاهرات غیر کلامی و چهره‌ای مشارکت‌کنندگان بود، لحاظ نشود. پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌های آینده، زمانی انجام شود که در مصاحبه حضوری، امکان مشاهده تظاهرات چهره‌ای مشارکت‌کنندگان نیز وجود داشته باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های مشابه، در قومیت‌های مختلف در ایران، و با نگاهی به تفاوت‌های جنسیتی انجام شوند و نتایج آنها با یافته‌های پژوهش فوق مقایسه شود. به علاوه، پیشنهاد می‌شود تا بر اساس یافته‌های این پژوهش، پرسشنامه‌ای کمی طراحی شود و در میان یک نمونه بزرگ توزیع گردد تا بتوانیم نتایج پژوهش فوق را به جامعه ایران تعمیم دهیم. در نهایت، نتایج مربوط به این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند در طراحی پکیج‌های مربوط به درمان خانواده‌ها، بر اساس تغییرات ایجاد شده متاثر از فرزندان، و متناسب با فرهنگ ایرانی، مورد استفاده قرار گیرد.

سپاسگزاری

از تمامی افراد مشارکت‌کننده در پژوهش که با صبر و بردباری، به سوالات پژوهشگر پاسخ دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده‌ی اول در رشته روان‌شناسی بالینی است و همه نویسندگان این مقاله نقش یکسانی در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نوشته داشتند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

عباسی، م.، دهقانی، م.، مظاهری، م.، انصاری نژاد، ف.، فدایی، ز.، نیک پرور، ف.، یزدخواستی، ح.، منصوری، ن.، و ابارشی، ز. (۱۳۸۸). بررسی تغییرات رضایت زناشویی و ابعاد آن در طول چرخه زندگی خانواده: تحلیل روند. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۱) ۶، ۵-۲۲. [الینک]

-کارابین، ش. (۱۳۹۶). مقایسه مولفه‌های مدل سیستمی مثلثی خانواده در مراحل مختلف چرخه زندگی (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). پژوهشکده خانواده. دانشگاه شهید بهشتی تهران.

-مهری، س. و. (۱۳۹۵). *تعهد زناشویی در مراحل مختلف چرخه زندگی خانوادگی افراد متأهل* (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). پژوهشکده خانواده. دانشگاه شهید بهشتی تهران.

منابع لاتین

-Aquilino, W. S. (2005). Impact of family structure on parental attitudes toward the economic support of adult children over the transition to adulthood. *Journal of Family Issues*, 26(2), 143-167. [\[link\]](#)

- Armour, M. (1995). Family life cycle stages: A context for individual life stages. *Journal of Family Social Work*, 1(2), 27-42. [\[link\]](#)

- Badr, H. A. , & Zauszniewski, J. A. (2017). Meta-analysis of the predictive factors of postpartum fatigue. *Applied nursing research*, 36, 122-127. [\[link\]](#)

-Bouchard, G. (2014). How do parents react when their children leave home? An integrative review. *Journal of Adult Development*, 21(2), 69-79. [\[link\]](#)

- Bzostek, S. H. , & Berger, L. M. (2017). Family structure experiences and child socioemotional development during the first nine years of life: Examining heterogeneity by family structure at birth. *Demography*, 54(2), 513-540. [\[link\]](#)

-Carter, B. E. , & McGoldrick, M. E. (1988). *The changing family life cycle: A framework for family therapy*: Gardner Press. [\[link\]](#)

- Cigoli, V. , & Scabini, E. (2007). *Family identity: Ties, symbols, and transitions*: Routledge. [\[link\]](#)

-Claxton, A. , & Perry-Jenkins, M. (2008). No fun anymore: Leisure and marital quality across the transition to parenthood. *Journal of marriage and family*, 70(1), 28-43. [\[link\]](#)

- Coleman, J. C. , Coleman, J. , & Hagell, A. (2007). *Adolescence, risk and resilience: Against the odds* (Vol. 3): John Wiley & Sons. [\[link\]](#)

- Condon, J. T. , Corkindale, C. J. , & Boyce, P. (2008). Assessment of postnatal paternal–infant attachment: development of a questionnaire instrument. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 26(3), 195-210. [\[link\]](#)

- Cooklin, A. , Giallo, R. , & Rose, N. (2012). Parental fatigue and parenting practices during early childhood: An Australian community survey. *Child: care, health and development*, 38(5), 654-664. [\[link\]](#)
- Cowan, P. A. , & Cowan, C. P. (2012). Normative family transitions, couple relationship quality, and healthy child development. [\[link\]](#)
- Coyne, I. , Sheehan, A. , Heery, E. , & While, A. E. (2019). Healthcare transition for adolescents and young adults with long-term conditions: Qualitative study of patients, parents and healthcare professionals' experiences. *Journal of clinical nursing*, 28(21-22), 4062-4076. [\[link\]](#)
- Dawson, S. J. , Leonhardt, N. D. , Impett, E. A. , & Rosen, N. O. (2021). Associations Between Postpartum Depressive Symptoms and Couples' Sexual Function and Sexual Distress Trajectories Across the Transition to Parenthood. *Annals of Behavioral Medicine*. [\[link\]](#)
- Demick, J. (2002). Stages of parental development. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting: Being and becoming a parent* (pp. 389–413). Lawrence Erlbaum Associates Publishers. [\[link\]](#)
- Doss, B. D. , Rhoades, G. K. , Stanley, S. M. , & Markman, H. J. (2009). The effect of the transition to parenthood on relationship quality: an 8-year prospective study. *Journal of personality and social psychology*, 96(3), 601. [\[link\]](#)
- Fabian, H. , & Dunlop, A. -W. (2007). *Outcomes of Good Practice in Transition Processes for Children Entering Primary School. Working Papers in Early Childhood Development, No. 42*: ERIC. [\[link\]](#)
- Fischman, S. H. , Rankin, E. A. , Soeken, E. L. , & Lenz, E. R. (1986). Changes in sexual relationships in postpartum couples. *Journal of Obstetric, Gynecologic, & Neonatal Nursing*, 15(1), 58-63. [\[link\]](#)
- Gottman, J. M. , & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 927-947. [\[link\]](#)
- Gorchoff, S. M. , John, O. P. , & Helson, R. (2008). Contextualizing change in marital satisfaction during middle age: An 18-year longitudinal study. *Psychological Science*, 19(11), 1194-1200. [\[link\]](#)
- Hahn, E. A. , Cichy, K. E. , Small, B. J. , & Almeida, D. M. (2014). Daily emotional and physical reactivity to stressors among widowed and married older adults. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 69(1), 19-28. [\[link\]](#)
- Hiedemann, B. , Suhomlinova, O. , & O'Rand, A. M. (1998). Economic independence, economic status, and empty nest in midlife

marital disruption. *Journal of Marriage and the Family*, 219-231. [\[link\]](#)

– Holt, N. L. , Tamminen, K. A. , Black, D. E. , Mandigo, J. L. , & Fox, K. R. (2009). Youth sport parenting styles and practices. *Journal of sport and exercise psychology*, 31(1), 37-59. [\[link\]](#)

– Houlberg, B. J. , Sheffield Morris, A. , Cui, L. , Henry, C. S. , & Criss, M. M. (2016). The role of youth anger in explaining links between parenting and early adolescent prosocial and antisocial behavior. *The Journal of Early Adolescence*, 36(3), 297-318. [\[link\]](#)

– Huang, T. (2012). Agents' social imagination: The 'invisible' hand of neoliberalism in Taiwan's curriculum reform. *International Journal of Educational Development*, 32(1), 39-45. [\[link\]](#)

– Hsiao, Y. L. (2017). Longitudinal changes in marital satisfaction during middle age in Taiwan. *Asian Journal of Social Psychology*, 20(1), 22-32. [\[link\]](#)

- Jones, D. E. , Feinberg, M. E. , Hostetler, M. L. , Roettger, M. E. , Paul, I. M. , & Ehrental, D. B. (2018). Family and child outcomes 2 years after a transition to parenthood intervention. *Family relations*, 67(2), 270-286. [\[link\]](#)

– Keizer, R. , & Schenk, N. (2012). Becoming a parent and relationship satisfaction: A longitudinal dyadic perspective. *Journal of Marriage and Family*, 74(4), 759-773. [\[link\]](#)

- Kluwer, E. S. , & Johnson, M. D. (2007). Conflict frequency and relationship quality across the transition to parenthood. *Journal of marriage and family*, 69(5), 1089-1106. [\[link\]](#)

– Lanz, M. , Sorgente, A. , & Danes, S. M. (2020). Implicit family financial socialization and emerging adults' financial well-being: A multi-informant approach. *Emerging Adulthood*, 8(6), 443-452. [\[link\]](#)

- Lawrence, E. , Rothman, A. D. , Cobb, R. J. , Rothman, M. T. , & Bradbury, T. N. (2008). Marital satisfaction across the transition to parenthood. *Journal of Family Psychology*, 22(1), 41. [\[link\]](#)

- LeBaron, A. B. , Rosa-Holyoak, C. M. , Bryce, L. A. , Hill, E. J. , & Marks, L. D. (2018). Teaching children about money: Prospective parenting ideas from undergraduate students. *Journal of Financial Counseling and Planning*, 29(2), 259-271. [\[link\]](#)

- Le Strat, Y. , Dubertret, C. , & Le Foll, B. (2011). Prevalence and correlates of major depressive episode in pregnant and postpartum women in the United States. *Journal of affective disorders*, 135(1-3), 128-138. [\[link\]](#)

- Mackey, R. A. , & O'Brien, B. A. (1999). Adaptation in lasting marriages. *Families in Society*, 80(6), 587-596. [\[link\]](#)
- Maas, M. K. , McDaniel, B. T. , Feinberg, M. E. , & Jones, D. E. (2018). Division of labor and multiple domains of sexual satisfaction among first-time parents. *Journal of Family Issues*, 39(1), 104-127. [\[link\]](#)
- Mitnick, D. M. , Heyman, R. E. , Slep, A. M. S. , Giresi, J. , & Shanley, J. E. (2021). Impact of expectation violation on relationship satisfaction across the transition to parenthood. *Journal of Family Psychology*. [\[link\]](#)
- s-Ngai, F. W. , & Chan, P. S. (2020). Perception of family sense of coherence during parental transition: A qualitative study. *Journal of health psychology*, 1359105320914062. [\[link\]](#)
- Ngai, F. W. , & Ngu, S. F. (2014). Family sense of coherence and family adaptation among childbearing couples. *Journal of Nursing Scholarship*, 46(2), 82-90. [\[link\]](#)
- Pacey, S. (2004). Couples and the first baby: Responding to new parents' sexual and relationship problems. *Sexual and Relationship Therapy*, 19(3), 223-246. [\[link\]](#)
- Papp, L. M. (2018). Topics of marital conflict in the everyday lives of empty nest couples and their implications for conflict resolution. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17(1), 7-24. [\[link\]](#)
- Rafatjah, M. (2012). Changing gender stereotypes in Iran. *International Journal of Women's Research*, 1(1), 61-75. [\[link\]](#)
- Rosen, N. O. , Muise, M. D. , Vannier, S. A. , Chambers, C. T. , Scott, H. , & Webb, p. A. T. R. A. K. C. H. L. C. J. M. M. P. E. R. K. R. L. (2021). # Postbabyhankypanky: An empirically based knowledge sharing initiative about sex and the transition to parenthood. *Archives of Sexual Behavior*, 50, 45-55. [\[link\]](#)
- Sharma, V. , Ortiz, M. R. , & Sharma, N. (2020). Risk and protective factors for adolescent and young adult mental health within the context of COVID-19: a perspective from Nepal. *The Journal of Adolescent Health*, 67(1), 135-137. [\[link\]](#)
- Sheriff, M. , & Weatherall, A. (2009). A feminist discourse analysis of popular-press accounts of postmaternity. *Feminism & Psychology*, 19(1), 89-108. [\[link\]](#)

- Sevil, Ü. , & Özkan, S. (2009). Fathers' functional status during pregnancy and the early postnatal period. *Midwifery*, 25(6), 665-672. [\[link\]](#)
- Schlagintweit, H. E. , Bailey, K. , & Rosen, N. O. (2016). A new baby in the bedroom: frequency and severity of postpartum sexual concerns and their associations with relationship satisfaction in new parent couples. *The journal of sexual medicine*, 13(10), 1455-1465. [\[link\]](#)
- Solomon, M. A. (1973). A developmental, conceptual premise for family therapy. *Family Process*, 12(2), 179-188. [\[link\]](#)
- Twenge, J. M. , Campbell, W. K. , & Foster, C. A. (2003). Parenthood and marital satisfaction: a meta-analytic review. *Journal of Marriage and Family*, 65(3), 574-583. [\[link\]](#)
- Umberson, D. , Williams, K. , Powers, D. A. , Chen, M. D. , & Campbell, A. M. (2005). As good as it gets? A life course perspective on marital quality. *Social Forces*, 84(1), 493-511. [\[link\]](#)
- van der Pluijm ,M. , van Gelderen, A. , & Kessels, J. (2019). Activities and Strategies for Parents with Less Education to Promote the Oral Language Development of Their Children: A Review of Empirical Interventions. *School Community Journal*, 29(1), 317-362. [\[link\]](#)
- VanLaningham, J. , Johnson, D. R. , & Amato, P. (2001). Marital happiness, marital duration, and the U-shaped curve: Evidence from a five-wave panel study. *Social forces*, 79(4), 1313-1341. [\[link\]](#)
- Van Manen, M. (2017). Phenomenology in its original sense. *Qualitative health research*, 27(6), 810-825. [\[link\]](#)
- Vannier, S. A. , Adare, K. E. , & Rosen, N. O. (2018). Is it me or you? First-time mothers' attributions for postpartum sexual concerns are associated with sexual and relationship satisfaction in the transition to parenthood. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(4), 577-599. [\[link\]](#)
- Walsh, F. (2016). Family resilience: a developmental systems framework. *European journal of developmental psychology*, 13(3), 313-324. [\[link\]](#)
- Zhang, Y. (2020). Are Empty-Nest Elders Unhappy? Re-examining Chinese Empty-Nest Elders' Subjective Well-Being Considering Social Changes. *Frontiers in Psychology*, 11. 885. [\[link\]](#)